

## تهیه و بررسی اعتبار سازه پرسشنامه «ویژگی‌های مدرسان موفق زبان انگلیسی»

فاطمه معافیان\*

کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی دانشگاه مازندران، ایران

رضا پیشقدم\*\*

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۶/۱۲/۲۰، تاریخ تصویب: ۸۸/۸/۱۰)

### چکیده

پژوهش حاضر در ابتدا سعی بر آن دارد که به بررسی ویژگی‌های معلم موفق زبان انگلیسی بپردازد و براساس آن، پرسشنامه‌ای با همین مضمون طراحی کند، سپس به بررسی اعتبار سازه پرسشنامه تنظیم شده بپردازد. بدین منظور، بر اساس نظرها و پیشنهادهای ارائه شده توسط استادان زبان انگلیسی (N=5)، معلمان زبان انگلیسی (N=11)، زبان‌آموزان (N=46) و پرسشنامه سواندی (۱۹۹۵) که درباره ویژگی‌های معلم موفق است، پرسشنامه‌ای (مقیاس لیکرت) شامل ۴۷ سؤال طراحی شد. به منظور بررسی اعتبار سازه این پرسشنامه از ۲۵۰ زبان‌آموز خواسته شد که پرسشنامه را مطالعه کرده و به آن پاسخ دهند، سپس، روی داده‌های به دست آمده، تحلیل عاملی اعمال شد. نتایج نشان داد که این پرسشنامه دوازده عامل (سازه) را اندازه‌گیری می‌کند. برای اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه از آلفای کربناخ استفاده شد. در پایان کاربرد پرسشنامه حاضر و نتایج به دست آمده از این تحقیق در گستره تدریس و آموزش زبان انگلیسی بحث شد.

واژه‌های کلیدی: اعتبار سازه، پرسشنامه، تحلیل عاملی، موفقیت معلمان در تدریس.

\*تلفن: ۰۵۱۱-۵۰۲۸۵۳۵، دورنگار: ۰۵۱۱-۸۷۹۴۱۴۴، E-mail: f.moafianm@gmail.com

\*\*تلفن: ۰۵۱۱-۵۰۲۸۵۳۵، دورنگار: ۰۵۱۱-۸۷۹۴۱۴۴، E-mail: rpishghadam@gmail.com

## ۱- مقدمه

هدف هر معلمی این است که در حرفه‌اش به عاملی موثر و کارا تبدیل شود اما مفهوم آموزش کارا (Effective Teaching) تا حدودی مبهم است. بسیاری از محققان تلاش نموده‌اند که تعریفی عملیاتی از مفهوم آموزش کارا ارائه دهند و این‌گونه بیان کرده‌اند که اگر یادگیرندگان به بیشتر از آنچه که برای قبولی در آزمون‌های استاندارد پیشرفت (Standardized Achievement Test) لازم است دست یابند، آموزش موثر صورت گرفته است (گود ۱۹۷۹). نونن (۱۹۹۹) اظهار می‌دارد که محققان درباره شیوه‌های مؤثر آموزش زبان دوم اتفاق نظر کامل ندارند اما آن‌ها به اهمیت ارتباط میان آموزش و یادگیری پی برده‌اند و این‌که چگونه آنچه که معلم تدریس می‌کند به آنچه که یادگیرندگان یاد می‌گیرند و آنچه که یادگیری را تسهیل می‌بخشد مرتبط است. تقی‌لو (۲۰۰۷) از آموزش موثر به عنوان فعالیتی پیچیده و بسیار ماهرانه یاد می‌کند که مستلزم آن است که معلم تصمیم‌گیری درباره چگونگی نحوه عمل در کلاس را تجربه کند.

بنابراین، در حالت کلی، آموزش زبان شامل تعاملی پیچیده میان موضوع تدریس، محتوا، ویژگی‌های معلم، ویژگی‌های یادگیرندگان، منابع آموزشی و محیط یادگیری است (کمپ بل ۲۰۰۰). ریچاردز (۱۹۹۲) نیز بیان می‌کند که آموزش موثر زبان نتیجه اثر متقابل بین برنامه آموزشی (Curriculum)، معلمان، دانش‌آموزان، روش‌شناسی و مطالب آموزشی است.

بر اساس آنچه که ادبیات تحقیق حاضر نشان می‌دهد، مشخص می‌شود که، طبق نظر محققان، یکی از عوامل تاثیرگذار در آموزش کارا معلم است. بر کسی پوشیده نیست که در یک نظام آموزشی، معلم می‌تواند نقش محوری ایفا کند. پتی (۲۰۰۲) معلم را حامی دانش‌آموزان، پلی به سوی جامعه، و عامل تغییر می‌پندارد. براون (۲۰۰۱) نیز عقیده دارد «در دنیایی که نیازم‌برم به تغییر دارد، معلم می‌تواند عاملی برای تغییر باشد: تغییر رقابت به همکاری، ضعف به قوت، نزاع به مصالحه و تعصب به فهم» (۴۴۵). بر اساس نظر رایس (۲۰۰۳)، تدریس فعالیتی پیچیده و متاثر از شایستگی‌های معلم است که در آن، تا حد زیادی، عملکرد دانش‌آموزان با توجه به قابلیت‌های معلم، قابل پیش‌بینی است. سواندی (۱۹۹۵) تدریس را ارتباطی دوگانه میان معلم و شاگرد قلمداد می‌کند و معتقد است آنچه که دانش‌آموزان می‌آموزند تا حد زیادی بستگی به تعهد معلم نسبت به شغلش دارد.

با توجه به اهمیت نقش معلم در فرایند تدریس، پژوهش‌های زیادی درباره بررسی ویژگی‌های معلمان و استادان موفق صورت گرفته و بر اساس آن‌ها معیارهایی برای ارزیابی

عملکرد معلمان در کلاس تهیه شده است تا بدین وسیله کیفیت عملکرد آنان در کلاس ارتقاء یابد.

شان (۱۹۶۵) در گزارش عقاید و احساسات دانشجویان، به مرور و فهرست کردن انتقادات و پیشنهادهای دانشجویان درباره استادانشان پرداخت (به نقل از گادزلا ۱۹۷۱). گادزلا (۱۹۷۱) پرسشنامه‌ای تهیه کرد که در آن بیست و پنج معیار معلم آرمانی فهرست شد. لومن (۱۹۹۶) نشان داد که در استادان نمونه دانشگاه‌ها دو ویژگی برجسته مشاهده می‌شود: (۱) هیجان منطقی، (۲) رابطه محبت‌آمیز اجتماعی. فلدمن (۱۹۹۶) به مقایسه بیست و هشت ویژگی تدریس موثر، با توجه به تأثیرشان در موفقیت دانش‌آموزان، پرداخت. سرویان و سنل (۱۹۹۷) در پژوهشی تحت عنوان کارایی مدرس در سطوح بالای تحصیلی، به بررسی رفتارهای مختلفی که استادان در حین تدریس و ارائه درس نشان می‌دادند، پرداختند. احمدوند (۲۰۰۴) در تحقیقی معلم موفق را فرد فکوری معرفی کرد که از شیوه‌ای پویا برای تدریس استفاده می‌کند که او را از معلمان معمولی متمایز می‌کند. احمدوند اظهار داشت که معلمان موفق از طریق تطبیق مهارت‌ها و راهکارهایشان با شرایط خاص، هدف درس، و علاقه‌مندی‌ها، نیازها و توانایی‌های یادگیرندگان به طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی مؤثر می‌پردازند. رشتچی و کیوانفر (۱۹۹۹) نیز بیان داشتند که معلمان باید دارای یک سری ویژگی‌ها باشند تا بتوانند در ایجاد یک محیط آموزشی موفق و کارا تأثیرگذار باشند. ویژگی‌های مد نظر رشتچی و کیوانفر بدین قرار است: (۱) دانش: قبل از هر چیز لازم است که معلم دانش کافی نسبت به موضوع تدریس و نسبت به جهان داشته باشند. منظور از دانش نسبت به جهان اطلاعات کلی درباره موضوعات اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی، علمی و ادبی است و منظور از دانش نسبت به موضوع تدریس، داشتن مهارت و علم کافی نسبت به زبان (Proficiency) و همچنین آگاهی از اصول عملی و نظری آموزش زبان است. (۲) شخصیت: برخی از ویژگی‌های فردی در اکثر معلمان موفق به چشم می‌خورد که در این میان رشتچی و کیوانفر به عزت نفس، انگیزه و پشتکار اشاره می‌کنند. (۳) تجربه: هر چند که دانش نقش مهمی در کارایی معلم زبان دارد، اما راهکارها و اصول مؤثری در تدریس وجود دارد که معلم تنها در درون کلاس می‌تواند آن‌ها را کسب کند. از طریق تجربه معلم می‌فهمد که چگونه با یادگیرندگان با پیشینه و انتظارات متفاوت برخورد کند و نیاز آن‌ها را تا حد امکان برآورده سازد.

تقریباً در بیشتر پژوهش‌های ذکر شده، ویژگی‌های مدرسان و استادان در سطوح بالای تحصیلی و در بافت‌های رسمی آموزش مورد بررسی قرار گرفته است و تا آنجا که محققان

پژوهش حاضر به بررسی پیشینه تحقیق پرداخته‌اند، پژوهش‌چندانی در زمینه معلمان موفق در سطوح پایین‌تر تحصیلی و در بافت‌های غیر رسمی‌تر آموزش صورت نگرفته است. افزون بر آن، در پژوهش‌های ذکر شده در پیشینه تحقیق، توجه چندانی به موضوعی که معلم و یا استاد تدریس می‌کند، نشده است و ویژگی‌های کلی استادان و یا معلمان موفق در نظر گرفته شده‌اند. این‌گونه به نظر می‌رسد که علاوه بر ویژگی‌های کلی که معلمان موفق باید داشته باشند، بعضی از ویژگی‌های خاص نیز وجود دارند که مرتبط با موضوعی است که معلم تدریس می‌کند. به عنوان مثال، آیا ویژگی‌های یک معلم زبان موفق، دقیقاً با ویژگی‌های یک معلم ریاضی موفق یکسان است؟! از طرف دیگر این‌گونه به نظر می‌رسد که پژوهش‌هایی که درباره ویژگی‌های معلمان موفق صورت می‌گیرد، بهتر است در محیط‌های فرهنگی مختلف و کشورهای مختلف تکرار گردد. همان‌گونه که رایز / Ryans (۱۹۶۷) اظهار می‌دارد «نظام ارزشی مرتبط با آموزش، نسبی بوده و به هیچ وجه مطلق نیست. هنگامی که ویژگی‌های معلم مورد بحث قرار می‌گیرد، ویژگی‌هایی که توسط شخصی، جامعه‌ای، یا در زمانی به عنوان موارد خوب قضاوت می‌شوند، ممکن است توسط فرد دیگری، در جامعه‌ای دیگر یا در زمانی دیگر خوب قلمداد نشود» (به نقل از سواندی، ۱۹۹۵). بنابراین، تحقیق حاضر در نظر دارد ویژگی‌های معلمان زبان انگلیسی موفق را در آموزشگاه‌های زبان در ایران بررسی کند.

## ۲- روش تحقیق

### ۱-۲ نمونه‌ها

این پژوهش در آموزشگاه‌های مختلف زبان سطح شهر مشهد صورت گرفت. شرکت‌کنندگان دو گروه بودند. گروه اول شامل ۶۲ شرکت‌کننده به شرح زیر: ۴۶ یادگیرنده زبان انگلیسی (۲۲ مرد و ۲۴ زن) که سنشان بین ۱۵ تا ۲۵ سال بود (17/66 = میانگین) و دارای سطح زبانی از مبتدی تا پیشرفته بودند، ۱۱ معلم زبان انگلیسی (۹ مرد و ۲ زن) که سنشان بین ۲۳ تا ۴۵ سال بود (832/9 = میانگین) و دارای سابقه تدریس از ۱ تا ۲۵ سال (11/18 = میانگین) بودند و ۵ استاد دانشگاه که در رشته‌های زبان‌شناسی، ادبیات انگلیسی و آموزش زبان انگلیسی تخصص داشتند.

گروه دوم آزمودنی‌ها شامل ۲۵۰ زبان‌آموز شد که ۱۶۲ نفر آن‌ها زن و ۸۸ نفرشان مرد بودند. سن آزمودنی‌ها بین ۱۴ تا ۳۶ (17/07 = میانگین) سال و دارای سطح زبانی از مبتدی تا

پیشرفته بودند.

## ۲-۲ ابزار پژوهش

ابزار پژوهش حاضر پرسشنامه‌ای است که براساس نظرها و پیشنهادهای استادان دانشگاه، معلمان زبان انگلیسی، زبان‌آموزان و پرسشنامه سواندی درباره معلم موفق، تنظیم شده است. پرسشنامه شامل دو بخش است: بخش اول شامل اطلاعاتی راجع به خود زبان‌آموز به لحاظ جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و سطح زبانی است. بخش دوم شامل ۴۷ سؤال در باره عملکرد معلم است که در آن زبان‌آموزان به ارزیابی عملکرد معلم خود پرداخته‌اند. از زبان‌آموزان خواسته شد روی مقیاس لیکرت گزینه مورد نظر خود را مشخص کنند (از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵)).

## ۳-۲ روش گردآوری و تحلیل داده‌ها

در ابتدا از ۴۶ زبان‌آموز و ۱۱ معلم زبان انگلیسی خواسته شد تا نظرها و پیشنهادهای خود را درباره ویژگی‌های معلم موفق بیان کنند. افزون بر آن، پرسشنامه سواندی (۱۹۹۵) نیز در نظر گرفته شد.

در پژوهش انجام شده توسط سواندی (۱۹۹۵)، دیدگاه دانشجویان درباره خصوصیات تدریس موثر مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش، اطلاعات از ۵۰۵ دانشجوی دانشکده علوم دانشگاه مه‌دیل گردآوری شد. ابزار استفاده شده در تحقیق پرسشنامه‌ای بود که پایایی آن ۰۹۴ بوده و شامل ۳۹ ویژگی تدریس می‌شد. این ویژگی‌ها از ۱۴ تحقیق پیشین در این باره، از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۸، انتخاب شدند. نتایج تحقیق سواندی نشان داد که، از نقطه نظر دانشجویان، استاد موفق کسی است که به ترتیب دارای دانش خوبی نسبت به موضوع تدریس باشد، مطالب دشوار را به گونه‌ای ارائه دهد که به راحتی برای دانشجویان قابل فهم باشد، مشتاق کمک به دانشجویان در داخل و خارج کلاس باشد، با آمادگی خوبی وارد کلاس شود و مطالب را بطور واضح توضیح دهد.

براساس نظرات دریافت شده از معلمان و زبان‌آموزان و همچنین پرسشنامه سواندی، محققان پژوهش حاضر پرسشنامه‌ای را تحت عنوان «ویژگی‌های مدرسان موفق زبان انگلیسی» تنظیم کردند که حاوی ۴۷ ویژگی است. پس از تنظیم پرسشنامه، از پنج استاد دانشگاه خواسته شد که پرسشنامه را به لحاظ محتوا ارزیابی کرده و نظرات و پیشنهادهای خود را بیان کنند تا

ضعف‌های احتمالی پرسشنامه بر طرف شود. سپس، پرسشنامه به سه زبان‌آموز که ویژگی‌های گروه نمونه را داشتند، داده شد تا پرسشنامه را بخوانند و فهم خود را از آن بیان کنند. از این طریق، محققان سعی کردند نکات مبهم پرسشنامه را از دیدگاه زبان‌آموزان رفع کنند.

در مرحله بعد، از ۲۵۰ زبان‌آموز زبان انگلیسی با سطوح زبانی مختلف، خواسته شد که پرسشنامه را پر کنند. از طریق این پرسشنامه، یادگیرندگان عملکرد معلم خود را ارزیابی کردند. به منظور دریافت نظرات واقعی زبان‌آموزان به آنان توضیح داده شد که هدف از پر کردن این پرسشنامه انجام یک پروژه تحقیقاتی است و نظرات آنان به معلم و یا مسئولان موسسه منعکس نخواهد شد. تکمیل پرسشنامه تقریباً ۲۰ دقیقه به طول انجامید. فرایند گردآوری اطلاعات، حدوداً دو هفته به طول انجامید (۲۵ تیر تا ۱۱ مرداد ۱۳۸۶).

به منظور بررسی پایایی پرسشنامه، از آلفای کربناخ استفاده شد. برای بررسی اعتبار سازه پرسشنامه، تحلیل عاملی اکتشافی بکار برده شد.

### ۳- نتایج

به منظور بررسی اعتبار سازه پرسشنامه، تحلیل عاملی (Principal Axis Factoring) بکار برده شد. ماتریس همبستگی درون-عاملی (Interfactor Correlation Matrix) همبستگی ۰/۲۵ و بیشتر را نشان داد. براساس این همبستگی، دوران وریمکس (Varimax Rotation) بهترین شیوه برای بررسی و به دست آوردن عوامل اصلی پرسشنامه محسوب گردید. تحلیل عاملی (Principal Axis Factoring) دوازده عامل اصلی را از پرسشنامه استخراج کرد. تمامی این عوامل مقدار ویژه بیشتر از یک داشتند و پاسخگوی ۴۸٪ واریانس بودند. هم‌داشت متغیرها (Variable Communalities) نیز همگی بزرگتر از ۰/۳۰ بودند.

در عامل اول سؤالات ۱۳ (علاقه‌مندی به موضوع تدریس)، ۲۲ (آمادگی برای کلاس)، ۲۳ (پاسخ به سؤالات)، ۲۴ (تاکید روی نکات مهم)، ۲۷ (علاقه‌مندی به کمک به زبان‌آموزان)، ۳۲ (توانایی تفهیم مطالب در سطح درک زبان‌آموزان) و ۳۶ (انتقادپذیری) قرار گرفتند. بار (Loading) سؤالات روی این عامل از ۰/۳۲ تا ۰/۶۶ است. مقدار ویژه عامل اول، ۳/۰۹ بوده و پاسخگوی ۶/۵۹٪ واریانس است. این عامل «توانایی آموزشی» نام‌گذاری شد.

در عامل دوم که «روابط اجتماعی» نام‌گذاری شد، سؤالات ۷ (خوش اخلاقی)، ۳ (داشتن روابط صمیمانه با زبان‌آموزان)، ۹ (داشتن حس شوخ طبعی)، ۸ (صبر و حوصله)، ۴ (احترام به زبان‌آموزان)، ۵ (درک زبان‌آموزان) و ۳۵ (احترام به نظرات متفاوت) قرار گرفتند. کمترین حد

بار در این عامل ۰/۳۳ و بیشترین آن ۰/۷۰ است. مقدار ویژه عامل دوم، ۲/۸ بوده و پاسخ‌گوی ۵/۹۵٪ واریانس می‌باشد.

عامل سوم که «توجه به همه» نام‌گذاری شد، شامل سوالات ۴۰ (دخالت تمامی زبان‌آموزان در یادگیری)، ۴۲ (دادن فرصت پرسش و شرکت در بحث‌های کلاسی)، ۴۱ (ایجاد فرصت‌های برابر برای شرکت زبان‌آموزان در کلاس)، ۴۳ (تبعیض قایل نشدن) و ۲۶ (توجه به تک تک زبان‌آموزان) می‌شود. این عامل پاسخ‌گوی ۵/۲۶٪ واریانس بوده و مقدار ویژه‌اش ۲/۴۷ است. کمترین حد بار در این عامل ۰/۴۱ و بیشترین آن ۰/۵۷ بود.

عامل چهارم شامل سوالات ۲۰ (برگزاری آزمون‌های مناسب و کافی)، ۲۱ (برگرداندن به موقع پاسخ آزمون‌ها) و ۳۸ (ارزیابی منصفانه) می‌شود. این عامل «امتحان» نام‌گذاری شده و کمترین حد بار در این عامل ۰/۳۵ و بیشترین آن ۰/۶۲ می‌باشد. مقدار ویژه عامل چهارم، ۲/۰۷ بوده و پاسخ‌گوی ۴/۴۰٪ واریانس بود.

در عامل پنجم سوالات ۱، ۲ و ۴۹ قرار می‌گیرند که به ترتیب درباره داشتن دانش کافی، به روز کردن اطلاعات و اهمیت به حضور زبان‌آموزان در کلاس است. نام این عامل «تعهد» بوده و دارای مقدار ویژه ۲/۰۵ است. این عامل ۴/۳۷٪ واریانس را در برمی‌گیرد. بار سوالات روی این عامل از ۰/۳۵ تا ۰/۵۴ است.

سوالات ۲۸، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۱۰ و ۳۷ عامل ششم را تشکیل می‌دهند. این سوالات به ترتیب درباره تشویق زبان‌آموزان به طرق مختلف، رسیدگی به مشکلات درسی زبان‌آموزان، تقسیم مناسب وقت کلاس برای مهارت‌های مختلف زبانی براساس اهداف دوره، ایجاد اعتماد به نفس در زبان‌آموزان، آگاهی از فنون و روش‌های نوین تدریس و سازماندهی مناسب مطالب درسی برای هر جلسه و همچنین برای کل دوره، می‌باشند. این عامل «تسهیل‌کننده‌های یادگیری» نام گرفته، ۴/۲۹٪ واریانس را در برمی‌گیرد و دارای مقدار ویژه ۲/۰۱ است. کمترین حد بار در این عامل ۰/۳۳ و بیشترین آن ۰/۴۶ است.

عامل هفتم شامل سوالات ۱۵، ۱۶، ۱۸ و ۱۹ است. این سوالات به ترتیب درباره توانایی ایجاد انگیزه در زبان‌آموزان، شناخت زبان‌آموزان، دادن تکالیف مناسب و کافی به زبان‌آموزان و استفاده از زبان‌آموزان قویتر برای پیشرفت زبان‌آموزان ضعیف‌تر، می‌باشند. این عامل «توانمندسازی» نام گرفت. بار سوالات روی این عامل از ۰/۴۱ تا ۰/۴۴ می‌باشد. این عامل ۳/۹۶٪ واریانس را در برمی‌گیرد و دارای مقدار ویژه ۱/۸۶ است.

روی عامل هشتم که «تسهیل‌کننده‌های تدریس» نام گرفت، سوالات ۶، ۱۱، ۱۲ و ۱۴ قرار

گرفتند که به ترتیب درباره توانایی مدیریت و اداره کلاس، استفاده از وسایل کمک آموزشی مناسب، اشتیاق به تدریس و اعتماد به نفس هستند. عامل هشتم  $۳/۵۴\%$  واریانس را دربر می‌گیرد و دارای مقدار ویژه  $۱/۶۶$  است. کمترین حد بار در این عامل  $۰/۳۲$  و بیشترین آن  $۰/۴۶$  است.

عامل نهم شامل سؤالات ۳۰ (صحبت با تلفظ صحیح) و ۳۱ (داشتن ظاهری تمیز و مرتب) با بارهای  $۰/۳۲$  و  $۰/۶۵$  می‌شود. این عامل «پذیرش فیزیکی و احساسی» نام‌گذاری شد. دلیل استفاده از این نام این است که هر یک به نوعی اشاره به اغنای حس زیبادوستی یادگیرندگان دارد، زیرا تلفظ صحیح و ظاهری تمیز و مرتب را همگان دوست دارند و باعث نفوذ عمیق‌تر کلام می‌شود. این عامل  $۳/۱۵\%$  واریانس را دربر می‌گیرد و دارای مقدار ویژه  $۱/۴۸$  است.

سؤالات ۴۶ و ۴۷ با بارهای  $۰/۷۰$  و  $۰/۳۲$  عامل دهم را تشکیل می‌دهند. این سؤالات به ترتیب درباره اجتناب از مسخره کردن زبان‌آموزان و اجتناب از سخت‌گیری بی‌جهت است. این عامل «همدلی» نام گرفت، زیرا وجه اشتراک هر دو سؤال توجه معلم به احساسات زبان‌آموزان و نگاه کردن از دریچه چشم آنان به محیط یادگیری می‌باشد. این عامل پاسخ‌گوی  $۲/۵۲\%$  واریانس بوده و دارای مقدار ویژه  $۱/۱۸$  است.

عامل یازدهم که «حضور در کلاس» نامیده شد، شامل سؤالات ۳۳ و ۳۴ می‌شود که به ترتیب درباره حضور به موقع در کلاس و ترک به موقع کلاس‌اند. بار هر دو این سؤالات روی این عامل  $۰/۵۰$  است. عامل یازدهم  $۲/۳۷\%$  واریانس را در بر می‌گیرد و دارای مقدار ویژه  $۱/۱۱$  است.

عامل دوازدهم تحت عنوان «پویایی در تدریس» شامل سؤالات ۲۵ (با انرژی بودن) و ۳۹ (خلاقیت در تدریس) با بارهای  $۰/۵۶$  و  $۰/۳۸$  می‌شود. این عامل  $۲/۳۰\%$  واریانس را در بر می‌گیرد و دارای مقدار ویژه  $۱/۰۸$  است.



جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی.

عامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	•/۳۲۸											
۲۲	•/۶۶۹											
۲۴	•/۵۸۶											
۲۳	•/۵۶۸											
۲۷	•/۴۱۹											
۳۲	•/۳۶۵											
۳۶	•/۳۷۰											
۷	•/۷۰۲											
۳	•/۶۶۳											
۸	•/۴۵۳											
۹	•/۶۲۱											
۴	•/۴۰۸											
۵	•/۳۵۰											
۳۵	•/۳۳۱											
۴۰		•/۵۷۵										
۴۱		•/۴۸۲										
۴۲		•/۵۵۸										
۴۳		•/۴۱۹										
۲۶		•/۴۳۰										
۲۰		•/۶۲۳										
۲۱		•/۵۹۵										
۳۸		•/۳۵۶										
۱		•/۵۴۰										
۲		•/۴۳۷										
۴۹		•/۳۵۳										
۲۸		•/۴۵۵										
۴۴		•/۳۸۸										
۴۵		•/۴۲۳										
۴۸		•/۴۶۷										
۱۰		•/۳۳۵										
۳۷		•/۳۳۸										
۱۵		•/۴۱۹										
۱۶		•/۴۴۴										
۱۸		•/۴۲۶										
۱۹		•/۴۲۴										
۶		•/۴۶۱										
۱۱		•/۳۲۵										
۱۲		•/۳۲۹										
۱۴		•/۳۵۸										
۳۰		•/۳۲۱										
۳۱		•/۶۵۵										
۴۶		•/۷۰۷										
۴۷		•/۳۲۴										
۳۳		•/۵۰۴										
۳۴		•/۵۰۷										
۲۵		•/۵۶۴										
۳۹		•/۳۸۹										

نتایج تجزیه و تحلیل پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرنباخ نشان داد که پایایی کلی پرسشنامه ۰/۹۴ است. همبستگی هر سوال با کل پرسشنامه (Item-Total Correlations) نیز ارزیابی شد تا سؤالاتی که همبستگی ضعیفی با کل پرسشنامه داشتند حذف شوند. نتایج نشان داد که همبستگی هر سوال با کل پرسشنامه در بازه قابل قبول ۰/۳۰ و بیشتر قرار دارد (ویترگرست، دکاپوا و ایتزن ۲۰۰۱). کمترین میزان همبستگی ۰/۴۰ و بیشترین آن ۰/۶۲ گزارش شد. افزون بر پایایی کل، پایایی هر عامل نیز از طریق طریق آلفای کرنباخ مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن به شرح زیر است:

جدول ۲: نتایج تجزیه و تحلیل پایایی برای هر عامل.

عامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
تعداد سؤالات	۷	۷	۵	۳	۳	۶	۴	۴	۲	۲	۲	۲
ضریب اعتبار	۰/۸۱	۰/۸۱	۰/۷۷	۰/۶۴	۰/۵۳	۰/۷۷	۰/۶۴	۰/۵۵	۰/۵۵	۰/۶۲	۰/۶۵	۰/۵۷

#### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

براساس نظر رایس (۲۰۰۳)، با توجه به صلاحیت‌های معلم، می‌توان عملکرد دانش‌آموزان را پیش‌بینی کرد. ونگلینسکی (۲۰۰۰)، نیز، شایستگی معلم را به عنوان مهم‌ترین عامل آموزشی تأثیرگذار در موفقیت یادگیرندگان می‌داند. با توجه به اهمیت نقش معلم در تدریس، پژوهش حاضر به بررسی ویژگی‌های معلم موفق پرداخت. به منظور نیل به هدف تحقیق، محققان از منابع اطلاعاتی مختلف به شرح زیر استفاده کردند:

یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی این تحقیق بازخوردی بود که از زبان‌آموزان درباره ویژگی‌های معلم موفق دریافت شد. سواندی می‌گوید دانش‌آموزان بهترین منبع اطلاعاتی برای عملکرد آموزشی‌اند. آن‌ها قادرند به خوبی درباره کیفیت تدریس داوری کنند. موراخ (۲۰۰۰) می‌نویسد که اگر برنامه‌ای به‌راستی متعهد به حمایت از یادگیرندگان باشد در ارزیابی‌هایی که انجام می‌دهد، دیدگاه دانش‌آموزان را نیز مد نظر قرار می‌دهد. یکی از جلوه‌های در نظر گرفتن دیدگاه یادگیرندگان، میزان اهمیتی است که به نظر دانش‌آموزان درباره معلم‌شان داده می‌شود. برس کمپ، برندن‌برگ و اوری (۱۹۸۴)، بر این باورند که هنگام توصیف یا قضاوت درباره موارد زیر، دانش‌آموزان منابع مفید و مناسبی‌اند: رفتارهای حرفه‌ای و اخلاقی معلم، رابطه<sup>۴</sup> معلم و شاگردان، حجم کار، آنچه آنان در طول دوره یادگرفته‌اند، انصاف در نمره دادن و

توانایی معلم برای تفهیم مطالب.

دومین منبع اطلاعاتی نظرهای معلمان بود. کوندل (۱۹۹۶) پیشرفت در توانایی‌های تدریس را مسئولیت حرفه‌ای تمام معلمان می‌داند و برای رسیدن به این هدف، طیف وسیعی از فعالیت‌ها مانند مشاهده، تحقیق کلاسی و غیره را پیشنهاد می‌کند. یکی از فعالیت‌هایی که کوندل برای بالا بردن توانایی معلم نام می‌برد، بحث و گفتگو با همکاران و استفاده از تجربه‌های آنان است (به نقل از ریچاردز و رناندیا / Richards & Renandya, ۲۰۰۲).

سومین منبع اطلاعاتی دیدگاه‌ها و تجربه‌های متخصصان زبان (استادان) بود. آشکار است که دانش و تجربیات این افراد روشنگر مسیر رسیدن به موفقیت در تدریس است. بالاخره، آخرین منبع اطلاعاتی پرسشنامه سواندی (۱۹۹۵) درباره ویژگی‌های معلم موفق بود.

پژوهش حاضر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با تحقیقات ذکر شده در پیشینه تحقیق دارد. در این پژوهش همانند پژوهش‌های شان (۱۹۶۵) و گادزلا (۱۹۷۱)، نظرات یادگیرندگان درباره ویژگی‌های معلم موفق در نظر گرفته شد. همانند پژوهش سواندی (۱۹۹۵)، پژوهشگران این تحقیق از توجه به پژوهش‌های قبلی انجام شده در این زمینه غافل نماندند. اما این پژوهش تفاوت‌هایی با پژوهش‌های قبلی انجام شده نیز دارد. افزون بر در نظر گرفتن دیدگاه دانش‌آموزان و تحقیق‌های قبلی منابع اطلاعاتی دیگر - دیدگاه معلمان و متخصصان زبان - نیز در نظر گرفته شد. دومین ویژگی خاص تحقیق حاضر مرتبط با بافت آموزشی است. تقریباً در تمامی پرسشنامه‌های طراحی شده قبلی در زمینه ویژگی‌های مدرس موفق، معلم در بافت آموزشی رسمی در نظر گرفته شده است. اما در این تحقیق این ویژگی‌ها در بافت آموزشی‌ای که رسمیت کمتری دارد - مؤسسه‌های خصوصی آموزش زبان - مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سومین ویژگی خاص پژوهش حاضر، تمرکز محض روی معلمان زبان انگلیسی است. در تحقیقات پیشین، تا آنجا که پژوهشگران این تحقیق بررسی کرده‌اند، توجه چندانی به موضوعی که مدرس تدریس می‌کرده، نشده است، در صورتی که، علاوه بر ویژگی‌های کلی که یک معلم موفق باید داشته باشد، بعضی از ویژگی‌ها مرتبط با موضوعی است که معلم تدریس می‌کند. به عنوان مثال، طبع لطیف در موفقیت یک معلم ادبیات تأثیرگذار است در حالی که شاید در موفقیت یک معلم ریاضی یا فیزیک تأثیر چندانی نداشته باشد. به دلیل این که در این تحقیق فقط معلمان زبان مدنظر قرار گرفته شده‌اند، نتایج حاصله از دقت و صحت بیشتری برخوردار است.

نتایج این پژوهش می‌تواند برای معلمان هم در حال تدریس و هم در حال تحصیل مفید

باشد و موجب آگاهی آنها از معیارهای تأثیرگذار در موفقیتشان شود. به دلیل این‌که نظرات زبان‌آموزان در این پرسشنامه اعمال شده است، معلمان با مطالعه این پرسشنامه از نقطه نظرات زبان‌آموزان مطلع شده و این آگاهی به آنان کمک می‌کند که درک بیشتر و بهتری از انتظارات زبان‌آموزان داشته و برای مرتفع کردن انتظارات و نیازهای آنان کوشش کنند. دیگر استفاده این پرسشنامه، استفاده از آن به عنوان ابزاری برای ارزیابی معلمان توسط زبان‌آموزان است که در این صورت این پرسشنامه می‌تواند برای مسئولان آموزشگاه‌ها بسیار مفید باشد. به دلیل اینکه، از این طریق آنها می‌توانند درباره عملکرد معلمان در کلاس از یادگیرندگان بازخورد دریافت کنند.

پژوهش اخیر محدودیت‌هایی دارد که در پژوهش‌های بعدی در این زمینه باید در نظر گرفته شود. در پژوهش حاضر، از زبان‌آموزان با سطوح زبانی مختلف خواسته شد که نظراتشان را درباره ویژگی‌های معلم موفق بیان کنند. افزون بر این، جنسیت زبان‌آموزان در نظر گرفته نشده است و سن یادگیرندگان بالای ۱۴ سال است. برای تحقیق بیشتر در این زمینه، توصیه می‌شود که این پژوهش با زبان‌آموزان سطحی خاص مثلاً متوسط، تکرار شود. همچنین می‌توان این تحقیق را با نظر خواهی از یک جنس از زبان‌آموزان (مؤنث یا مذکر) تکرار کرد. این تحقیق می‌تواند برای زبان‌آموزان زیر سن ۱۴ سال نیز تکرار شود.

## Bibliography

- Ahmadvand, M. (2004). "How to Become a Reflective Teacher". *Foreign Language Teaching Journal*, 83(21), 20-24.
- Braskamp, L. A., Brandenburg, D. C., & Ory, J. C. (1984). *Evaluative Teaching Effectiveness: A Practical Guide*. Beverly Hills, California: Sage Publication.
- Brown, H. D. (2001). *Teaching by Principles: An interactive approach to Language Pedagogy*. 2<sup>nd</sup> edn. San Francisco: Longman.
- Campbell, L. M. (2000). *The Unspoken Dialogue: Beliefs about Intelligence, Students, and Instruction Held by a Sample of Teachers Familiar with the theory of Multiple Intelligences*. Unpublished doctoral dissertation, The Fielding Institute, United States.
- Feldman, K. A. (1996). Identifying exemplary teaching: Using data from course and Teacher Evaluations. *New Directions for Teaching and Learning*, (65), 41-50.
- Gadzella, B. M. (1971). "College Students' Views and Ratings of an Ideal Professor". In I. J. Ed. Lehmann & W. A. Mehrens, *Educational research readings in focus* (131-138). New York: Holt, Rinehart and Winston. 131-138.

- Good, T. L. (1979). "Teacher Effectiveness in the Elementary School". *Journal of Teacher Education*, 30 (2), 52-64.
- Rashtchi, M., & A. Keivanfar. (1999). *ELT Quick 'n' Easy*. Tehran: Rahnama.
- Rice, K. J. (2003). "Teacher Quality: Understanding the Effectiveness of Teacher Attributes". Retrieved June 21, 2007. available:  
[http://www.epinet.org/content.cfm/books\\_teacher\\_quality\\_execsum\\_intro](http://www.epinet.org/content.cfm/books_teacher_quality_execsum_intro)
- Lowman, J. (1996). "Characteristics of Exemplary Teachers". *New Direction for Teaching and Learning*, 65, 33-40.
- Murdoch, G. (2000). "Introducing a teacher-supportive evaluative system". *ELT Journal*, 71(3), 277-288.
- Nunan, D. (1999). *Second Language Teaching and Learning*. Boston: Heinle & Heinle.
- Pettis, J. (2002). "Developing our Professional Competence: Some Reflections". In J. C. Richards, & W. A. Renandya (Eds.), *Methodology in Language Teaching: An Anthology of Current Practice*. Cambridge: Cambridge University Press. 393-396.
- Richards, J. C. (1992). *Language Teaching Matrix*. New York: Cambridge University Press.
- Richards, J. C., & Renandya, W. A. (2002). *Methodology in Language Teaching: An Anthology of Current Practice*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Saroyan, A. and L.S. Snell. (1997). "Variation in Lecturing Styles". *Higher Education*, 33 (1), 85-104.
- Suwandee, A. (1995). "Students' Perceptions of University Instructors' Effective Teaching characteristics". *SLLT Journal*, 5, 6-22.
- Taghilou, M. R. (2007). "From Reflective Teaching to Effective Learning: A New Class Order". *Iranian Journal of Language Studies* 1(2), 15-26.
- Wintergerst, A. C., A., DeCapua & R. C. Itzen, (2001). "The Construct Validity of One Learning Styles Instrument". *System*. 29. 385-403.
- Wenglinsky, H. (2000). *How Teaching Matters: Bringing the Classroom Back into Discussions of Teacher Quality*. Princeton, NJ: The Milken Family Foundation and Educational Testing Service.

پرسشنامه «ویژگی‌های مدرسان موفق زبان انگلیسی»

**(Teaching accountability)**

۱۳. به موضوعی که تدریس می‌کند علاقه‌مند است.
۲۲. با آمادگی خوبی وارد کلاس می‌شود.
۲۴. روی مطالب و نکات مهم تأکید می‌کند.
۲۳. با دقت و بطور کامل به سؤالات پاسخ می‌دهد.
۲۷. در کلاس و در خارج کلاس علاقه‌مند کمک به زبان‌آموزان است.
۳۲. قدرت تفهیم مطالب را در سطح درک زبان‌آموزان دارد.
۳۶. انتقاد پذیر است و به پیشنهادات سازنده بها می‌دهد.

**(Interpersonal relationships)**

۷. خوش اخلاق است.
۳. با زبان‌آموزان رابطه صمیمانه‌ای برقرار می‌کند.
۹. حس شوخ طبعی دارد و فضایی جذاب و با نشاط در کلاس فراهم می‌آورد.
۸. صبور و با حوصله است.
۴. به زبان‌آموزان احترام می‌گذارد.
۵. زبان‌آموزان را به خوبی درک می‌کند.
۳۵. به نظرات متفاوت احترام می‌گذارد.

**(Attention to all)**

۴۰. تمامی زبان‌آموزان را در امر یادگیری دخالت می‌دهد.
۴۲. به زبان‌آموزان فرصت پرسش و شرکت در بحث‌های کلاسی می‌دهد.
۴۱. فرصت‌های برابر برای شرکت زبان‌آموزان در کلاس فراهم می‌آورد.
۴۳. بین زبان‌آموزان تبعیض قایل نمی‌شود.
۲۶. به تک تک زبان‌آموزان توجه دارد.

### (Examination)

---

۲۰. آزمون‌های مناسب و کافی بر اساس مطالب تدریس شده برگزار می‌کند.
۲۱. پاسخ آزمون‌ها را به موقع باز می‌گرداند.
۳۸. در ارزیابی و نمره دادن کاملاً "منصف و بی‌طرف است."

### (Commitment)

---

۱. ازدانش کافی نسبت به موضوع تدریس برخوردار است.
۲. اطلاعاتش جدید و به‌روز است.
۴۹. به حضور و غیاب زبان‌آموزان در کلاس اهمیت می‌دهد.

### (Learning boosters)

---

۲۸. زبان‌آموزان را به طرق مختلف تشویق می‌کند. (تنوع در تشویق)
۴۵. بر اساس اهداف دوره، وقت کلاس را بطور مناسب برای مهارت‌های زبانی مختلف تقسیم می‌کند.
۴۴. به مشکلات درسی زبان‌آموزان رسیدگی می‌کند.
۴۸. در زبان‌آموزان اعتماد به نفس ایجاد می‌کند.
۱۰. از فنون و روش‌های نوین تدریس آگاهی دارد.
۳۷. مطالب درسی را برای هر جلسه و نیز کل دوره به‌خوبی سازماندهی می‌نماید.

### (Creating a sense of competence)

---

۱۶. زبان‌آموزانش را به‌خوبی می‌شناسد (توانایی، استعداد، ضعف).
۱۵. توانایی ایجاد انگیزه و ترغیب زبان‌آموزان به یادگیری زبان را دارد.
۱۹. تکالیف مناسب و کافی بر اساس مطالب تدریس شده به زبان‌آموزان می‌دهد.
۱۸. از زبان‌آموزان قوی‌تر برای پیشرفت زبان‌آموزان ضعیف‌تر استفاده می‌کند.

### (Teaching boosters)

---

۶. توانایی مدیریت و اداره کلاس را دارد.

۱۱. از وسایل کمک‌آموزشی مناسب مانند فلش کارت، نوار، فیلم و غیره استفاده می‌کند.  
۱۲. اشتیاق به تدریس دارد.  
۱۴. اعتماد به نفس دارد.

---

**(Physical and emotional acceptance)**

---

۳۱. ظاهری تمیز و مرتب دارد.  
۳۰. با تلفظ صحیح و واضح صحبت می‌کند.

---

**(Empathy)**

---

۴۶. از مسخره کردن زبان‌آموزان به هر دلیلی اجتناب می‌کند.  
۴۷. بی‌جهت سخت‌گیری نمی‌کند.

---

**(Class attendance)**

---

۳۳. به موقع در کلاس حاضر می‌شود.  
۳۴. به موقع کلاس را ترک می‌کند.

---

**(Dynamism)**

---

۲۵. پویا و با انرژی است.  
۳۹. در تدریس خلاقیت و تنوع دارد و فقط بر روی روش‌های کلیشه‌ای تکیه نمی‌کند.